



هوماي بهار

موضوع فصلنامه ی بهار : روانشناسی رشد

نشریه علمی تربیتی هوما / بهار ۱۳۹۹ / شماره سوم

کاری از انجمن علمی علوم تربیتی دانشگاه شهید رجایی



بسم الله الرحمن الرحيم

مقام معظم رهبری: «شما معلمان از این مسئله غفلت نکنید که تربیت کردن هم جزو کار شماست؛ و چه بهتر که با نفوذ معلمی؛ با تأثیر روحی معلم بر متعلم استفاده کنید و یک نقطه ی روشن و نورانی ای در قلب دانش آموز باقی بگذارید.»

مدیر مسئول
فاطمه صادق
سردبیر
فهمیه ابدی

تصویر و نقاشی:
زهرا هاشمی نژاد
ملیکا فتاحی

هیئت تحریریه:

فهمیه ابدی، زهرا امیری، فاطمه
شریفی، فاطمه محمدی، فرزانه سادات
مرتضوی، مرضیه علیشاهی، زهرا
جمشیدیان، حدیثه نجفی، زهرا
احمدی، رضا حاج محمودی، سید علی
حسین، ناهید ربیعی

صفحه آرا و
گرافیک:
فاطمه صادق

تایپ و متن نگاری:
فاطمه محمدی، زهرا رضایی



anjoman_elmi_rajaii
@abadi_f

مصاحبه

۶

مطالب و مقالات

۱۰

نقد کتاب

۸

نقد فیلم

۱۲

سخن مسئول

باسلام خدمت همه‌ی شما همکاران گرامه . نشریه‌ی هوما مفتخر است برای سومین بار پرواز خود را بر سرزمینهای علم و دانش آغاز کند و میزبان شما عزیزان باشد و این بار هدیه‌ای با عنوان روانشناسی رشد منتظر شماست . مبحث روانشناسی رشد سالهای زیادی است که مورد توجه مسئولان امور تعلیم و تربیت قرار گرفته و ما معلمان نیز با استفاده‌ای این علم می‌توانیم نقش بسیار موثرتری در رشد دانش آموزانمان ایفا کنیم . بهتر است ویژگی‌های هر دوره‌ی را بشناسیم و مطابق با آن آموزش خود و نحوه‌ی انتقال آن را انتخاب کنیم . امیدواریم توانسته باشیم در این شماره از هوما ، شما را برای یک تدریس بهتر ، یاری کنیم .

فاطمه صادقی

مدیر مسئول نشریه هوما

بازی و کودک

۱۴

واکنش‌های عاطفی

۱۸

رشد در نهج البلاغه

۱۶

دیدگاه گورخری

۱۹

کلام رهبری در میلاد موعود

۲۱. غرب محصول تربیت خود را نشان داد. مصادره ماک و لوازم پزشکی. تخلیه فروشگاه ها، خرید اصلحه، اولویت قراردادن برای به ماران، خودکشی از دست کرونا. نتیجه فلسفه مادی گری و فردگرایی و بی خدایه حاکم در غرب.

۲۲. رفتار عمومی مردم در بکار بستن توصیه های قاطع.

۲۳. پذیرش نظم عمومی در مواجهه با کرونا.

۲۴. کرونا در قیاس با مشکلات و حوادث دیگر بزرگ نیست.

۲۵. کرونا نباید ما را از توطئه دشمنان غافل کند.

۲۶. کمک به اقشار آسیب پذیر. مردم توانمند هم وظیفه دارند.

۲۷. اتفاق و کمک در ماه رمضان.

۲۸. در غیاب جلسات معنوی ماه رمضان بهره گیری از خشوع، عبادت و تزیع انفرادی در خلوت.

۲۹. مسئولین و جوانان عرصه فناوری: جهش تولید دنبال شود. ساخت و ساز و تولید آزمایشگاه نیاز است.

۱. آسایش لزوما آرامش نمی آورد.

۲. علم لزوما گره گشاییست و در خدمت قدرتمندان است و نیاز به معنویت است.

۳. عدالت در ثروت، کرامت، منزلت و رشد لازم است که از آستین بقیه الله بیرون می آید.

۴. وعده فرج در همه ادیان داده شده.

۵. زندگی واقعی از زمان ظهور رقم می خورد.

۶. انتظار فرا تر از نیاز است. به معنی امید است و بازنده.

۷. امید، تحرک و اقدام در انتظار فرج است.

۸. افضل اعمال انتظار فرج است.

۹. خود انتظار فرج، یک فرج و گشایش است.

۱۰. انتظار به معنی آماده شدن، اقدام و تلاش است در راه ایجاد جامعه مهدوی و دگر سازی. با عجله کردن و با تعیین وقت سازگار نیست.

۱۱. جامعه مهدوی جامعه قسط، برادری، علم و معرفت است.

۱۲. آرامش روانی ناشی از انتظار فرج را با دعا می توان افزایش داد.

۱۳. یاد خدا بهجت و آرامش می دهد.

۱۴. دعای نیمه شعبان برکات گسترده دارد.

۱۵. حادثه کرونا آزمون است.

۱۶. ملت ایران در آزمون کرونا خوش درخشید. و اوج این افتخار مدیون کادر درمان است.

۱۷. داوطلبان، طلاب، دانشجویان و آحاد مردم و نیروهای مسلح ارائه خدمات داشتن.

۱۸. کشف ظرفیت ها در جامعه بعد از کرونا

۱۹. مشارکت های مردمی زیبا.

۲۰. احساس ارزش های قوی در مردم..





۵. ویژگی های بارز کودکان در این دوره چیست؟

این دوره از نظر روان-شناسان سنین گرایش به دسته و گروه است. یعنی دوره ای که کودکان به پذیرفته شدن در گروه توجهی زیادی می کنند و سعی می کنند طرز رفتار و ظاهر خود را با گروه همسالان تطبیق دهند. به همین علت روان شناسان این دوره را سن همانند سازی نام گذاری کرده اند. این دوره را سن خلاقیت نیز نام گذاری کرده اند یعنی دوره ای که در آن معلوم خواهد شد کودک در آینده خلاق و مبتکر می شود یا دنباله رو و پیرو خواهد بود.

۶. وظیفه-ی معلمان برای کودکان سنین ۷ تا ۱۱ سال برای پرورش رشد مهارت-های مورد نیاز دانش آموزان در مقایسه با نقش والدین چگونه است؟

یادگیری مهارت های اصلی مانند خواندن، نوشتن و حساب کردن و رشد نگرش های مربوط به گروه ها و نهاد های اجتماعی در کودکان تا حد زیادی به عهده ی معلمان می باشد. که در واقع به جای والدین عمل می کنند؛ هر چند والدین می توانند زمینه های لازم را برای یادگیری های اولیه کودک برای رفتار با همسالان و ورود فرزندشان به عنوان یک عضو در گروه همسالان به وجود آورند.

۷. رشد عاطفی کودکان در سنین ۷ تا ۱۱ سال چگونه است؟

در این دوره کودک یاد می گیرد چگونه واکنش های عاطفی و هیجانی خود را کنترل کند. کودکان در این دوره به زودی در می یابند که ابراز برخی از واکنش ها مثل ترس، خشم یا حسادت آنها را نزد گروه همسالان ضعیف و کوچک نشان می دهد بنابراین سعی می کنند تا آنها را کنترل یا مخفی کنند.

۸. تفاوت های تحول شناختی در دختران و پسران چیست؟

دختران در توانایی های کلامی، فوریت های زبانی، گنجینه واژگان، خواندن و خلاقیت کلامی از رشد بیشتری برخوردار هستند. پسران از حدود ۱۰ سالگی در توانایی بصری و تجسم هندسی - فضایی برتری فراوانی پیدا می کنند.

۹. رشد نقش جنسی چیست در دختران و پسران در دوره ی کودکی دوم (۷ تا ۱۱) چگونه است؟

منظور از نقش جنسی ویژگی ها و وظایفی است که دین، فرهنگ، جامعه، بزرگسالان و طبیعت زیستی از هر یک از دو جنس مرد و زن انتظار دارد. در دوره-ی کودکی دوم، کودک تلاش وسیعی برای همانند سازی در نقش جنسی خود می کند. پسر در محیط خانه بیشتر به رفتار پدر و دختر به رفتار مادر توجه می کند و از آنها جهت همانندسازی الگو برداری می کنند. پسران در ابتدای دوره ی کودکی دوم از این نظر با مشکل مواجه می شوند، زیرا باید همانند سازی و وابستگی خود را که در دوره ی کودکی اول به مادر داشته اند تغییر دهند و به همانند سازی با پدر بپردازند. ضمناً تاثیر گروه همسالان و نقش مدرسه خصوصاً معلمان را برای الگو برداری دو جنس نباید نادیده گرفت.

**مصاحبه ویژه با
دکتر مسعود
شریفی**

**مصاحبه کننده:
فاطمه شریفی**



با نام و یاد خدا عرض سلام و ادب دارم خدمت همراهان همیشگی نشریه هوما . روان شناسی رشد یکی از موضوعات کاربردی برای معلمان و دانشجو معلمانی ست که قرار است با کودکان سر و کار داشته باشند کودکانی که دنیای پیچیده ای دارند و شناخت آنها برای معلم امری ضروری و الزامی است ضمن اینکه باتوجه به پیشرفت جامعه ضرورت شناخت کودک برای معلم احساس می شود لذا تصمیم گرفتیم در این شماره از نشریه خدمت آقای دکتر مسعود شریفی دارای مدرک دکترای روانشناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی هستیم. از شما عزیزان می خواهیم با ما همراه باشید از نکاتی که آقای دکتر برای ما بیان کردند نهایت استفاده رو ببرید. ۱. روان شناسی رشد چه چیز هایی را درباره ی انسان مطالعه و بررسی می کند؟

از دیدگاه روانشناسی تحول انسان شامل الگوهایی از تحولات زیستی، شناختی، اجتماعی و هیجانی (عاطفی) است. که بسیار پیچیده و از زمان تشکیل نطفه انسان شروع و تا پایان عمر ادامه دارد. در خصوص انتخاب واژه مناسب رشد در زبان فارسی باید بگویم بهتر است به جای رشد واژه «تحول» را بکار ببریم که برگردان لاتین development می باشد و در همه زبان های دنیا در قلمرو روانشناسی کاربرد واژه تحول مرسوم تر است.

۲. دانستن درباره ی ویژگی های رشد کودکان چه کمکی به معلمان می کند؟

معلمان باید با این نوع تحولات آشنا باشند و با آنها همگام باشند. یعنی هرآنچه در هر سنی آموزش داده می شود باید از همه ابعاد جسمی (زیستی)، شناختی، اجتماعی و هیجانی مناسب با سطح تحول دانش آموز باشد. تا اینکه مشکلی در فرایند یاددهی - یادگیری از جنبه های گوناگون پرورشی بوجود نیآورد. منظور اینکه محتوای درس-ها و نحوه آموزش و تدریس خصوصاً با سطح توان ذهنی فراگیران هماهنگ باشد.

۳. منظور از رشد شناختی چیست و چه چیز هایی را مورد مطالعه قرار می دهد؟

تحول شناختی یکی از موضوع-های اصلی مصاحبه ما می باشد. شامل تحول فرایندهای ذهنی: توجه، ادراک، هوش، حافظه یادگیری، زبان آموزی، پردازش اطلاعات و تفکر (برای حل مسئله، استدلال، تصمیم گیری و قضاوت کردن) می باشد، که موجب تحولی عظیم در شناخت انسان در تمام مراحل زندگی می شود. تحول شناختی کودک دبستانی سبب می شود که به عنوان یک دانش آموز از اول دبستان تا پایان مقطع ابتدایی خواندن، نوشتن، ریاضیات، علوم زیستی و اجتماعی و ... را یادبگیرد. خلاقیت به خرج دهد و هوشمندانه ارتباط کلامی داشته باشد و حل مسئله کند.

۴. تحول شناختی در کودکان ۷ تا ۱۱ سال چگونه است؟

یکی از نظریه های بسیار مطرح در حوزه تحول شناختی رویکرد شناختی ژان پیاژه روانشناس سوییسی می باشد. از نظر پیاژه مقطع سنی ۷ تا ۱۱ سال مربوط به دوره عملیات عینی در کودک دبستانی است. در این دوره از تحول شناختی کودک از عملیات-های عینی جهت استدلال منطقی (ملموس) استفاده می کند. دوره عملیات عینی یا محسوس، نوعی فعالیت ذهنی برگشت پذیر و مربوط به دنیای واقعی است. این دوره به دانش آموز این امکان ذهنی را می دهد که به جای تمرکز یافتن بر یک ویژگی جسم، چندین ویژگی را با هم درنظر بگیرد. در این دوره عملیات ملموس را وارانه سازی می کند. یعنی تا پایان این دوره به عملیات ذهنی این همانی، جبران و بازگشت پذیری مسلط می شود. یک مشخصه مهم این دوره، کسب توانایی طبقه بندی کردن اشیا گوناگون است.



نقد کتاب

کمتر کسی را می توان یافت که در زندگی دچار سوء تفاهم نشده باشد. وقتی انسان دچار اشتباه و کج فهمی می شود با خود و اطرافش احساس بیگانگی می کند و دچار تناقض هایی می شود که به سختی می تواند آنها را حل کند. این مشکل گاهی تا جایی پیش می رود که آشفتگی سراسر وجود انسان را فرا می گیرد. سوء تفاهم قدرت عجیبی دارد؛ می تواند پیوندهای عاشقانه را ویران کند و هویت انسان ها را به چالش های عمیق بکشد. ماجرای این رمان مربوط به زندگی یک زوج میانسال به نام های ژان مارک و شانताल است. این زن و شوهر شیفته ی یکدیگرند و جامعه و کشمکش های آن را فقط در پرتو عشق به یکدیگر تحمل می کنند.

شروع یک سوء تفاهم!

داستان این کتاب از جایی شروع می شود که به ناگه و بدون هیچ پیش زمینه ای شانताल که به همراه ژان مارک در حال قدم زدن در خیابان است، رو به همسر خود می گوید: ((دیگر مردان برای دیدن من سر بر نمی گردانند.)) اینجاست که مردانه ترین احساسات ژان مارک به روح او حمله می کنند و حسادت در وجود او شعله ور می شود اما علاقه ی بیش از حد او به شانताल باعث خاموش شدن این آتش می شود. کمی که می گذرد ژان مارک متوجه حالات روحی و افسردگی شانताल می شود که تنها منظور شانताल از این جمله ی متحیرکننده افسردگی ناشی از بالا رفتن سن و کهولت است.

تصمیم عجیب

اما ژان مارک تصمیم عجیبی برای بازگرداندن نشاط و سرزندگی به شانताल، اقدام به نوشتن نامه هایی با عنوان فردی ناشناس و با مضمون ابراز علاقه و دلدادگی و تعریف و تمجید از زیبایی او می کند. نامه هایی که بسیار هوشمندانه و معقول نوشته شده اند و فقط درباره ی تحسین از شانताल بودند.

نامه های ژان مارک ابتدا شانताल را آزرده خاطر و ناراحت می کند و ژان مارک هم با این عکس العمل همسرش به نوشتن نامه ها ادامه می دهد تا جایی که کم کم افسردگی شانताल جای خود را به شادابی و نشاط می دهد و شانताल از افسردگی رهایی می یابد. اما وقتی پی به راز این نامه ها می برد، سوء تفاهم بزرگ زندگی این زوج در اینجا شکل می گیرد و شانताल ژان مارک را به قصد لندن ترک می کند و در این میان اتفاقاتی می افتد و در نهایت شانताल با صدای همسرش از خواب بیدار می شود. چند جمله ی پایانی این رمان بسیار حساس است. پس از بیدار شدن از خواب، راوی از خود می پرسد که "این زوج جوان کجای قصه ی زندگی شان را به خواب رفته اند؟" این جمله ی بسیار تکان دهنده ای ست زیرا مخاطب هیچگاه متوجه نمی شود که این زوج کجای زندگی شان را به خواب رفته اند و از طرف دیگر نیز تصور اینکه این داستان خوابی بیش نبوده یک فضای کابوس بار ایجاد می کند که برای مخاطب بسیار دردناک است

کتاب هویت یکی از آثار بی نظیر میلان کندرا، نویسنده ی اهل کشور چک است که چند بار نامزد جایزه ی نوبل ادبیات شده و در ایران او را بیشتر به خاطر رمان بار هستی اش می شناسند.

کتاب هویت با زاویه دید دانای کل نوشته شده و ساختار رمان از پنجاه و یک فصل به هم پیوسته تشکیل شده است. موضوع این کتاب همانطور که از نامش پیداست درباره ی هویت است. هویت انسان معاصر و سرگستگی اش در دنیای کنونی تم اصلی این رمان است. سرگستگی ای که باعث به وجود آمدن احساس تنهایی هایی میان انسانها شده که با از میان برداشتن فاصله ها و زمان و مکان هم از بین نمی رود. این رمان برخلاف آثار دیگر کندرا از پیچیدگی کمتری برخوردار است و به همان نسبت شخصیت ها هم کمتر هستند. درون مایه ی محوری و مضمون فکری کتاب هویت، نوعی درگیری ذهنی و تقابل تقریباً فلسفی با ناپایداری هستی و زندگی است. این کتاب درباره ی سوء تفاهماتی ست که ریشه در عدم شناخت دقیق انسان ها از یکدیگر دارد و می تواند بزرگترین عشق ها را به سادگی ویران کند. از دیدگاه روانشناسی گاهی سوء تفاهم ها از نفهمیدن ها بسیار خطرناکتر هستند. سوء تفاهم هایی که باعث برداشت اشتباه از گفته ها و رفتارهای دیگران می شود. سوء تفاهم ها معمولاً به دلیل نبودن اطلاعات کافی از یک موضوع به وجود می آیند اما اگر از موضوعی که نسبت به آن سوء تفاهم داریم، اطلاعات کافی هم داشته باشیم؛ باعث می شود تصویر ذهنی درست و شفاف از آن موضوع در ذهن ما شکل بگیرد.

همانطور که در این رمان قصد ژان مارک از نوشتن آن نامه ها رساندن مقصود و مفهوم درون ذهنش به شانताल بود؛ اما به دلیل نبود اطلاعات و توضیحات کافی باعث شد که بزرگترین سوء تفاهم زندگی شان شکل بگیرد و عشق و علاقه ی آنها به یکدیگر را تا مرز نابودی کشاند. در این رمان میلان کندرا به خواننده نشان می دهد که تغییر هویت و تبدیل به دیگری شدن بیش از آنکه به خود فرد آسیب بزند، به محبوبش لطمه وارد می کند و درست به همین خاطر است که از آغاز داستان ژان مارک از تغییر کردن شانताल وحشت دارد زیرا تغییر هویت از موضوعات مهم و چالش برانگیز زندگی هر فرد است و در تمام طول زندگی تغییر و رشد می کند و هر چالش و بحران در زندگی باعث تغییرات کوچکی در هویت فرد می شود.

این کتاب نگارش ساده و صریحی دارد و آمیخته ای از طنز، سیاست و مسائل اجتماعی است و می توان گفت در واقع یک اثر رفتارشناسانه و فلسفی است که در قالب رمان درآمده است. هویت، داستانی اندیشه محور است و به نظر من بهتر است با آرامش و بدون عجله خوانده شود و یا حتی بازخوانی شود. در نهایت هویت روایتی است ساده و عاشقانه که به غیر از انتهایش که شخصیت شانताल از خواب برمی خیزد تمامی بخش های داستان روایتی خطی دارد و یکی از فلسفی ترین آثار میلان کندرا است که در پی رساندن این پیام به مخاطب است که تنها عشق می تواند جهان پر از سوء تفاهم را اصلاح کند.

و در نهایت توصیه ی من به شما خوانندگان محترم: مثل بیشتر کتاب ها، کتاب هویت هم شامل مقدمه ای از مترجم است؛ اما مترجم محترم تقریباً تمام داستان کتاب را در مقدمه شرح داده است، بنابراین بهتر است به هنگام مطالعه ی کتاب از خواندن مقدمه چشم پوشی کنید و در انتهای کتاب آن را بخوانید.



کتاب هویت

نوشته میلان کندرا



نویسنده: فاطمه مصدر

رشته علوم تربیتی

مرکز سمیرهایس

نظریه رشد شناختی پیازه می‌تواند معلمان را، در آموزش و برخورد درست با دانش‌آموزان سن‌های گوناگون از جهت‌های مختلف کمک نماید. به طور کلی، فواید استفاده از این نظریه برای معلمان را، می‌توان در چند نکته زیر خلاصه کرد:

۱. بین فرایندهای فکری کودکان و بزرگسالان تفاوت‌های مهمی وجود دارد. کودکان به راه‌هایی می‌اندیشند که بزرگسالان اینک فراموش کرده‌اند که خود زمانی همان شیوه‌های فکری را داشته‌اند. نحوه‌ی اندیشیدن کودکان دارای اشتباهاتی است که پیش‌بینی آنها برای بزرگسالان دشوار است. بنابراین بزرگسالان و کسانی که با کودکان سر و کار دارند باید بکوشند تا خود را در موقعیت کودکان قرار دهند و مسائل و پدیده‌ها را به روش آنها ببینند. این کار را به شیوه‌های مختلف از جمله صحبت کردن با کودک و مشاهده‌ی رفتار او می‌توان انجام داد. آگاهی از فرایندهای شناختی کودکان سن‌های مختلف در این باره می‌تواند معلمان را یاری کند.

۲. کودکان، به ویژه کودکان پیش‌دبستانی و سالهای نخست دبستان، از طریق درگیری و کار کردن مستقیم با اشیا و مواد محسوس و عینی، مسائل و مفاهیم مختلف را می‌آموزند، ولی در این سالها کار کردن با کلمات و سایر نمادها به خوبی اشیا و امور محسوس در کودکان یادگیری ایجاد نمی‌کند. بنابراین معلم باید بکوشد تا دانش‌آموزان خردسال، اشیا و امور مختلف را ببینند، لمس کنند، دستکاری نمایند، و اعمال مختلفی بر روی آنها انجام دهند. این گونه فعالیت‌ها، کسب مفاهیم مختلف و روابط بین آنها را از سوی دانش‌آموز، میسر می‌کند. روش آموزشی مبتنی بر نظریه پیازه باید بر یادگیری اکتشافی متمرکز باشد. در این روش یادگیری، کودکان دانش را شخصاً کشف می‌کنند، نه از راه توضیح و توصیف معلم. این روش برای کودکان سن‌های پایین از بهترین روشهای یادگیری است، زیرا امکان تجربه‌ی دست اول را برای آنها فراهم می‌آورد. در این روش "معلمان به جای اینکه دانش را به صورت آماده و از راه توضیحات کلامی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند، "برای آنان مجموعه‌ای از فعالیتهای متنوع فراهم می‌آورند تا به کمک آنها به کاوش و کشف بپردازند. از جمله وسایل مختلف هنری و دستی، پازل‌ها و معماها، مکعب عادی چوبی، کتابهای گوناگون، وسایل اندازه گیری، آلات موسیقی، و مانند اینها" (برک، ۲۰۰۰: ص ۲۵۸). در هر حال درک مسائل مبتنی بر زبان نیز به مقدار زیادی تجارب دست اول نیاز دارد، به قول گیجو برلایز (۱۹۸۴)، "کودکانی که قبلاً، از طریق بازی با الاکلنگ، مفهوم اهرم را حس نکرده باشند، یادگیری این مفهوم برای آنها در درس علوم دوره‌ی دبستان به دشواری صورت خواهد گرفت. کودکانی که با مهره و گلوله و مکعب چوبی بازی نکرده باشند، در فهم جمع، تفریق، ضرب، و تقسیم دچار مشکل خواهند شد."

۳. به رغم تاکید پیازه بر یادگیری اکتشافی و آموزش فردی، کنش متقابل کودک با سایر کودکان نیز مورد توجه بوده است. این کنش متقابل میان کودکان به رفع خودمرداری در آنها کمک می‌کند. کودک از راه کنش متقابل با همسالان خود به پذیرش دیدگاههای دیگران موفق می‌شود و ضمناً از آنجا که تعامل اجتماعی بیشتر از طریق استفاده از زبان میسر است، این سبب می‌شود که درک کلامی کودک نیز افزایش یابد.

۴. آموزش باید بر نیازهای فردی دانش‌آموزان و سطح درک و فهم آنها منطبق باشد، یعنی نوع تکالیف یادگیری بر مقدار آن، و سرعت یادگیری باید بر تواناییهای کودکان مختلف مبتنی باشد. پس برنامه درسی را باید بر اساس مراحل رشد ذهنی کودکان پی‌ریزی کرد و در تنظیم آنها کلیه‌ی ویژگیهای مراحل مختلف رشد ذهنی کودکان را منظور کرد. همچنین هنگام آموزش به کودکان سن‌های مختلف، باید تفاوت تواناییهای آنان را در نظر گرفت. کودکان بیشتر به فرصت‌های یادگیری از طریق تجربه‌ی مستقیم نیاز دارند؛ تا آموزش رسمی.

پس بهتر است معلم تا حد امکان از آموزش رسمی بکاهد و تا آنجا که ممکن است به فراهم آوردن فرصتهای یادگیری و تدارک دیدن مواد آموزشی اقدام کند

منبع: <http://idealschoolskills.blogfa.com/post/>

گرد آورنده : فرزانه سادات مرتضوی

منابع: مرآت‌شناسی
رشد از دکتر سوسن
سیف، دکتر پروین
کلایمر، دکتر رضا کریمی
نوری، دکتر حسین لطف
آبادی / سایت مرکز مشاوره
آکسین / تهیه‌کننده: مرضیه
علیشاهی

رشد و تکامل انسان

مطالعه علمی کیفیت رشد پیش از تولد از قرن ۱۷ مطرح شده و به تدریج دانشمندان علاقه مند شدند که این مرحله از زندگی انسان را مورد مطالعه قرار بدهند. عوامل موثر در رشد و تکامل پیش از تولد: رشد و تکامل دوران پیش از تولد، مانده‌ی انواع رشد و تکامل، متضمن همکاری و همدستی و تعامل وراثت و محیط است. رشد و تکامل فرایندی پویا و پیش‌رونده بوده که توقف نداشته و کیفیت محیط رحم مادر مسئول اکثر ناهنجاری‌های ساختی است.

۱) سن مادر: بهترین زمان برای رسیدن به این تجربه ی خوشایند سنین ۲۰ تا ۳۵ سالگی می باشد؛ بارداری در سنین کمتر از ۲۰ سال منجر به مسمومیت حاملگی شده و سنین بالاتر از ۳۵ در صورت بارداری، با خطر اختلالات کوروموزومی روبرو هستند. ۲) تغذیه مادر: مادرانی که در کم و کیف غذای خود دقت نکرده و از ویتامین و غذای لازم برای رشد جنین محروم هستند به احتمال زیاد فرزندان ناسالمی به دنیای آورند. ۴) بیماری‌هایی که سلامت مادر و جنین را به خصوص در سه ماه ابتدای بارداری به خطر می اندازد، عبارت است از: سرخه، ابله مرغان و... است که باعث بروز اختلالات قلبی، ناشنوایی، نابینایی و عقب ماندگی ذهنی در نوزاد می شود. ۵) هیجان و فشار روانی مادر: نامساعد بودن محیط زندگی بر سرعت و شدت هیجان و احساسات مادر افزوده که خطرانی را برای مادر داشته و نیز امکان دارد فرزند او همان دوران کودکی یک فرد هیجانی و عصبانی مزاج شود.

عواملی که در دوران آبستنی باعث فشار روانی می شود: طفل ناخواسته. نداشتن پول و غذای کافی. نخستین بچه بودن. نبودن مراقبت پیش از تولد. گرایش به مادری: مادری که از حامله بودن خود خوشحال بوده و آن را یک خوشبختی می داند، آرامش خاطر داشته و فرزند سالمی بار خواهد آورد و برعکس. گرایش های موثر در آمادگی روان شناختی: ۱) سالم و طبیعی بودن بچه برای آنها مهم است تا جنسیت او ۲) تغییرات چهره و درد و ناراحتی طبیعی بارداری را می پذیرند ۳) احساس رضایت خاطر یا رد کردن مسئولیت والدینی. خطرهای روان شناختی همانند خطرهای بدنی مهم است زیرا آثار آنها در رشد و غو پس از تولد نیز می ماند. فشارهای روانی یا هیجانی مداوم مانند: خشم، غمگینی، ترسو... محیط رحم را برای رشد و غو سالم جنین نامساعد کرده و مادری که نمی خواهد بچه دار شود یا نگران از به دنیا آوردن فرزند ناقص است همگی به طور غیرمستقیم به کودک مربوط می شوند.

۶) اشعه x و رادیوم ۷) طبقه اجتماعی والدین ۸) وضع اقتصادی خانواده

رشد شناختی ۷ تا ۱۱ سالگی: کودک در این دوره وارد مرحله شناختی جدیدی می شود که پیازه نام آن را "دوره عملیات عینی" یا منطق عملیاتی گذاشته است. از دیدگاه پیازه این مرحله شناختی هم در ابتدا و هم در انتها بانوعی بحران شناختی و عقلی روبه روست. کودک در این دوره از نظر احساسات و عواطف بیشتر به بزرگسالان شباهت دارد، ولی در تفکراتشان با آنها خیلی متفاوت است و به عبارتی از نظر شناختی برای بزرگسالان ناشناخته اند. بهترین ویژگی های شناختی کودکان در این دوره: الف) مفهوم نگهداری ذهنی: کودک ظرفیت جدیدی پیدای می کند که تثبیت کمیت یا نگهداری ذهنی است و کودک متوجه می شود که اگر ظاهر اشیاء خارجی تغییر کند، وضع آن در کودک ثابت می ماند و او چنین تشخیص می دهد که این اشیاء به ظاهر تغییر کرده، همان اشیاء ثابت بوده و فرقی نکرده است. ب) طبقه بندی: منظور از طبقه بندی، منطق جزء و کل است که در این دوره به سهولت در کودک یافت می شود. این توانایی به کودک امکان می دهد که اجزاء را در کل داخل سازد یا برعکس اجزاء را از کل جدا کند.

ج) ترتیب یار دین کردن: هنگامی که از عمل ترتیب صحبت می کنیم، از منطق روابط در کودک صحبت می کنیم و پایه و ریشه آن دوره حسی-حرکتی قرار دارد. د) مفهوم زمان و مکان: مفهوم مکان یا فضا در کودکان بسیار زود ظاهر می شود. کودکان بسیار زود از جای اشیاء و وسعت و فاصله آنها تصوری به دست می آورند. در دوره دوم کودکی، کودک به تدریج آماده می شود که مفهوم مکان را بسیار گسترده تر از دوره قبل و فراتر از صورت محسوس آن درک کند



جوکر(Joker)

ساخته تاد فیلیپس

واکین فینیکس در نقش آرتور

JOKER

خلاصه داستان:

در سال ۱۹۸۱ مرد میانسالی به نام آرتور فلک به همراه مادر خود در شهر گاتهام زندگی میکند.آرتور به عنوان دلچک در مهمانی های مختلف ظاهر شده و خرج خود را این گونه به دست می آورد.گاتهام با جرم و جنایت های سازمان یافته مواجه شده و فقر و بیکاری مردم شهر از جمله آرتور را آزار میدهد.آرتور به یک اختلال عصبی به نام نا خویشخت داری عاطفی دچار است ودر مواقعی که کنترل خود را از دست می دهد به طرز فجیعی شروع به خندیدن می کند.آرتور که در وضعیت بدی به سر میبرد؛بعد از وقایع متعدد از جمله مورد حمله قرار گرفتن توسط سارقان گاتهام،تصمیم می گیرد که زندگی خود را تغییر دهد که این اقدامات او منجر به شورش مردم فقیر علیه ثروتمندان در گاتهام می شود.

واکین فینیکس یکی از بهترین انتخاب ها برای ایفای این نقش بود،زیرا در فیلم هایی مثل مرشد و تو هیچ وقت واقعا این جا نبودی به خوبی ایفای نقش کرده بود.

چیزی که مارا برای این فیلم مشتاق کرده بود،تجربه جوکر در فیلم شوالیه تاریکی بود که کمتر کسی را به خودش گرفتار نکرده بود.

شاید از نظر بعضی افراد واقعا مهم نبود چه چیزی حول وحوش این فیلم می گذرد و تنها چیزی که برایشان اهمیت داشت این بود که من یک جوکر خوب میخوام.



بچه تخس در آغاز فیلم تابلوی آرتور را می دزدند و او را بدون دلیل کتک میزنند و رئیس او را به اتهام دزدیدن تابلو در حالی که آرتور دلیلی برای دزدیدن آن ندارد،اخراج میکند،سه جوانی که در شرکت سرمایه گذاری توماس وین کار میکنند،در قطار به آرتور حمله می کنند و او را زیر مشت و لگد می گیرند....

خلاصه انگار کل جامعه آرتور را پشت سر گذاشته و همه چیزو همه کس دراین فیلم سیاه و خشن و نامهربان است.وقتی شرایط اینگونه است هیچ دلیل برای زیر سوال بردن رفتار آرتور نیست وآنوقت حتی مخاطبان هم هیچ دلیلی برای تردید نشان دادن به رفتار خشونت آمیز آرتور نخواهند داشت.کارگردان می توانست از سوفی به عنوان کسی که آرتور را نجات دهد و راهنمایی اش کند ،استفاده کند،ولی در فیلم میبینیم که آرتور فقط یک رابطه عاشقانه خیالی با سوفی برقرار می کند . آرتوردر فیلم به جای انتخاب روش درست و عاقلانه،راه شورش کردن علیه جامعه را انتخاب می کند . تنها کاری که جوکر می کند و تنها چیزی که نشان می دهد این است که(سیستم خراب است وحق دارید خشمگین باشید و خشم خود را به هر نحوی خالی کنید). جوکر به تماشاگراناش این اجازه را میدهد که باور کنند خشمشان کافی است و این که تلاششان برای تغییر رفتارشان ضرورتی ندارد و آن ها همه بیگناه هستند و تنها چیزی که نیاز دارند خشم است و خشم است و خشم. واما جوکر بدون نکته مثبت هم نیست.بزرگترین ویژگی فیلم این است که مثل یک ذره بین،مشکلات و معضلات را بزرگ میکند،ولی بزرگترین نکته مثبت فیلم در محاصره تمام چیزهایی است که به حضور آن هستند. در مجموع میتوان گفت جوکر یکی از ناامید کننده ترین فیلم های ۲۰۱۹بود ولی چیزهای بسیاری برای گفتن داشت.



تألیف: زهرا رضایی
پردیس فاطمه الزهرا(اس)

منتقدان سرسخت این فیلم اعتقاد دارند جوکر فیلم بزدل،غیر خلاقانه،یکنواخت،آماتور،کلیشه ای و پوچ است.آن ها اعتقاد داشتند جوکر نه تنها نتوانست درمانی برای بیماری سینمای جریان اصلی این روزها تبدیل شود،بلکه با فروش بیش از یک میلیارد دلاری خود به سرعت به پیشروی اش افزود و معتقدند که این فیلم نه تنها برای گرفتن دستاثران خم نمیشود که با هدف پرتاب کردن ما به ته دره پاشنه پوتینش را روی نوک انگشتاثران می فشارد.معتقدند این فیلم سر کاراکتر ها بی وقفه درون باتلاقی از درد و رنج و اندوه و سیاهی فرو میکند.

معتقدند این فیلم جسارت گلاویز شدن با مفاهیم پیچیده و سنگین را داشته اما از پس کنترل کردن این مسئولیت حساس بر نمی آید ودرنتیجه یک لاشه کت و شلوار اتو کشیده می شود.

آرتور فلک آنقدر شیفته کمدین مشهوری است که حضور در برنامه او و مورد تعریف و تمجید قرار گرفتن توسط او را خیال پردازی می کند و همزمان به نبرد با سیاستمداری که از نگاه او فاسد است می رود.آرتور فلک احساس می کند که از ناحیه الگو و قهرمانش مورد خیانت قرار گرفته است.او همزمان یک دل نه صد دل عاشق زنی به اسم سوفی می شود.

در نهایت جوکر به فینالی میرسد که رویایش بود وآن حضور در تاک شوی محبوبش است که متاسفانه با تفنگ مخفی اش خونریزی راه می اندازد.

کار گردان سعی کرده یک جوکر قابل هم ذات پنداری را به تصویر بکشد ولی مسئله این است که جوکر همیشه قابل هم ذات پنداری بوده است.جوکر همیشه نماینده بخش تاریک اما کاملا انسانی مخاطبش بوده است.این که جوکر بسیار محبوب است دقیقا به خاطر این است که ما به هنگام تماشای او،خود و دنیایمان را در اعماق چشمانش می بینیم.

بازی و یادگیری کنترل اعضای گروه : بازی به کودک کمک می کند تا کنترل اعضای بدنش را در دست بگیرد؛ مهارت های بدنی خود را کامل کند و بین عضلات خود هماهنگی ایجاد کرده و حواس پنج گانه ی خود را تقویت کند . هنگامی که کودک با انگشتان خود بازی میکند؛ در واقع با شیوه ی به کار بردن آن ها آشنا می شود. بازی و غلبه بر خشم، ترس، حسادت و غم : ترس ها و حسادت های پنهان کودک، گاهی به صورت غول جلوه گر می شوند و او با جنگ و گریز بر آن ها پیروز می شود . گاهی کودک خود را به جای شخصیت شرور قصه می گذارد و هر بلایی که دوست داشته باشد سر بقیه می آورد . بازی و پیشرفت تکلم کودک : از آن جا که در یک بازی تخیلی، قهرمان ها ی مختلفی وجود دارند که با هم تبادل افکار می کنند، کودک با لهجه ها و لحن های مختلف صحبت می کند و این باعث می شود تا تکلم وی بهبود یابد . بازی و یادگیری رفتار با دیگران : کودک با بازی یاد می گیرد که چگونه با کودکان دیگر رفتار کند . کودکان ممکن است سر اسباب بازی ها با هم دعوا کنند . شما نباید تا زمانی که کار خیلی بالا نگرفته دخالت کنید . بگذارید تا کودکان خودشان یاد بگیرند که برنده و بازنده ی خوبی باشند.

بازی، هر گونه فعالیت جسمی یا ذهنی هدف داری است که به صورت گروهی یا فردی انجام می شود و موجب کسب لذت و ارضای نیازهای کودک می شود. بازی، ابزار تفکر کودک، وسیله ای برای سازندگی و آموزش، منشأ تکامل رشد جسمی و ذهنی و وسیله ی ارضای حس کنجکاوی او است . کودک به وسیله ی بازی نیازهای خود را برآورده و عواطف خود را تحت کنترل در می آورد.

بازی و کودک

کودک، می تواند با عاریت گرفتن اسباب بازی ها، دنیای خویش را بسازد . کودک می تواند جهان خویش را پر از خویشتانندانی سازد که ساخته و پرداخته ی ذهن خود وی هستند . او می تواند هر چیزی را برگزیند و یا آن را کنار بگذارد.

نقش بازی در رشد اجتماعی کودکان

از بُعد رشد اجتماعی، تعامل در بازی با دیگر کودکان، کودک را قادر می سازد تا تصورش را از خود و دیگران به صورت عام رشد دهد. در بازی های گروهی که دارای مقررات و قواعد است، بازیکن باید نقش دیگر بازیکنان را بداند و هم چنین باید توانایی « برعهده گرفتن نقش دیگران » را در خود رشد و توسعه دهد، تا از طریق پیش بینی آن چه در آینده اتفاق خواهد افتاد، بتواند رفتار خود را با آن سازگار کند. کودک، شروع به ارزیابی توانایی های خود در مقابل دیگران می کند و هویت یا تصور از خود را بهبود می بخشد

از طریق بازی کردن نقش های مختلف بزرگسالان، مقررات اجتماعی و معیارهایی که رفتار بازیگر را تنظیم می کند، می آموزد . کودک در بازی با سایر کودکان، چگونگی ایجاد ارتباط با آنان را یاد می گیرد، دیگران را بهتر می شناسد و از خود نیز شناخت بهتری پیدامی کند . بازی، عواطف و احساسات کودک را بیدار می کند، در تقویت جسم و روح او تأثیر زیادی داشته و او را به سوی زندگی اجتماعی و قبول مسئولیت ها راهنمایی می کند . کودک با بعضی از بازی ها، مانند لباس پوشاندن به عروسک، غذا پختن، رنگ آمیزی عکس ها، جواب دادن به تلفن و ... به تمرین نقش خود و مسئولیت ها در بزرگسالی مشغول می شود، موجب ارتباط کودک با محیط بیرون می شود و دنیای اجتماعی او را گسترش می دهد .



بازی و کودک



گرد آورنده : ناهید ربیعی

ب) کودکی دوم: در این دوران بدن شکل کشیده تری به خود می گیرد؛ حرکات کودک دیگر ناشیانه نیست و به تدریج به روش های اکتشافی تازه تری دست می یابد؛ میزان فهم و تجربه ی او نیز گسترده تر می شود. جامعه اینک بیش از پیش کودک را زیر تأثیر خود می گیرد و ارزش های فرهنگی و معیارهای مربوط به ایفای نقش در جامعه را به او منتقل می کند و مکان و محیطی که کودک در آن قرار دارد بر شخصیت کودک تأثیرگذار است. امام علی (ع) نیز تأثیر محیط و جامعه را در تربیت فرزندان به ویژه کودکان گوشزد می کنند و می فرمایند: «در شهرهای بزرگی که مرکز اجتماع مسلمانان است، مسکن گزین و از محیط و جوامعی که اهل غفلت و ستمکاری در آنجا هستند و یاران مطیع خدا کمتر در آن نواحی یافت می شوند، بپرهیز.» رشد جسمانی کودک در این مرحله شامل راه رفتن سریع، چپیدن یک پای و...؛ و رشد هیجانی کودکان شامل بهبود خودگردانی هیجانی، تجربه ی بیشتر هیجان های خودآگاه، افزایش بازی تعاملی (مشترک و ارتباطی)، ترجیح همبازی های هم جنس و تشخیص راست گویی از دروغ گویی است.

ج) کودکی سوم: در این دوره روند رشد آهسته و منظم است. از نظر رشد شناختی نیز تفکر منطقی همچنان به موقعیت های عینی وابسته است. کودک در راهبردهای حافظه، مرور ذهنی و سازمان دهی کارآمدتر می شود. در این مرحله بعد از رشد جسمانی به شدت به رشد شناختی نیاز است. ضرورت دارد کودک در حد فهم خود بداند کیست و از کجا آمده است (خداشناسی، جهان شناسی و خودشناسی). علاوه بر رشد جسمانی و شناختی، کودک از نظر هیجانی و اجتماعی نیز رشد می کند.

الف) کودکی اول: این دوران زمان نوزادی و شیرخوارگی را شامل می شود. نوزاد نسبت به لمس به ویژه در اطراف دهان، کف دست ها و پاها پاسخ می دهد. کودکان می توانند چند مزه ی اصلی را همانند بزرگسالان تشخیص؛ و به آنها پاسخ دهند. در این دوران حساسیت نوزادان نسبت به شنوایی در چند ماه اول تولد بسیار خوب است. آنها تفاوت بین چند الگوی صوتی را تشخیص؛ و همچنین گفتار خوش نوا را در برابر گفتاری که کیفیت منفی یا خنثی دارد ترجیح می دهند. بینایی در دوران نوزادی کمتر از حواس دیگر رشد می کند.

روانشناسی رشد در نهج البلاغه

پس از تولد، کودک باید تا رسیدن به مرحله ی بعد یعنی نوجوانی به مرحله ی انسانی را طی کند به طور کلی این سه مرحله عبارت است از:

۱. کودکی اول (کودکی نخست): (از تولد تا ۲ سالگی)
۲. کودکی دوم (کودکی میانه): (از ۲ تا ۷-۷ سالگی)
۳. کودکی سوم (کودکی پایانی): (از ۷-۷ تا ۱۱-۱۲ سالگی)



در جهت این رشد، عزت نفس بالا می رود، آگاهی از حقوق فردی گسترش می یابد، گروه همسالان نمایان می شوند و کودکان از کلیشه های جنسی بیشتری آگاه می شوند، رقابت خواهر و برادرها افزایش می یابد و کودکان مسئول تر و مستقل تر می شوند و همچنین نقل داستان از نظر ساختار، جزئیات و بیانگری افزایش می یابد. در این دوره نکته ی حائز اهمیت شیوه ی برخورد والدین و معلمان با کودک است که این شیوه های تربیتی با عواملی مثل عزت نفس، میزان اضطراب، رفتارهای اجتماعی و خودآگاهی فرد در آینده در ارتباط است.

خداوند برای حفظ کرامت انسان ها، آنها را از هر نوع هدف و روشی که به کرامتشان لطمه بخورد، بازداشته است. ازاین رو، مشاهده می شود که امیر علم و عمل حضرت علی (ع) برای حفظ کرامت انسان ها بر شیوه های فرزندپروری و تعلیم و تربیت اسلامی تأکید دارند و در تربیت فرزند خویش امام حسن (ع) از شیوه ی عبرت دهی یا عبرت آموزی استفاده می کنند و در نامه یی خطاب به ایشان می فرماید: «ای پسر من! من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم و از آخرت و از آنچه برای انسان ها در آنجا فراهم است آگاه ساختم و برای تو از هر دو مثال زدم تا به آن پند پذیری و بر اساس آن در زندگی گام برداری.» تأکید بر عبرت در مسیر موعظه و تذکر به مثابه ی روش ایده ال تربیتی، به دلیل پیامدهای مطلوب و شایسته یی است که در تربیت دارد.

گراآوری شده توسط: فاطمه شریف

موسوی سیده الناز و همکاران (۱۳۹۷). تطبیق مراحل رشد انسان در روان شناسی و نهج البلاغه، مجله ی پژوهش در دین و سلامت، وپایت مجله <https://journals.sbm.ac.ir/jrrh>

به طور کلی، این دوره نسبتاً آرام و عاطفی است و این ویژگی تا زمانی که رشد ناگهانی دوره بلوغ شروع شود در کودک وجود دارد. آرامش عاطفی در این دوره دلایل متعددی دارد؛ یعنی کودکان به خوبی می‌دانند که دیگران چه وظایفی را از آنها انتظار دارند و چه کارهایی را باید انجام دهند و چگونه این نقش‌ها را ایفا کنند؛ دوم اینکه بازیها و ورزش‌ها در این دوره وسیله‌ی بسیار خوبی برای تخلیه‌ی هیجانات پنهان شده‌ی کودکان است؛ یعنی کودکان انرژی عاطفی خود را به مقدار زیادی در بازی و ورزش صرف می‌کنند؛ سوم اینکه کودکان در این دوره پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در مهارت‌های مختلف از خود نشان می‌دهند و در مقایسه با کودکان دوره‌ی قبل در انجام دادن وظایف و کارها کمتر با شکست و ناکامی روبه‌رو می‌شوند؛ اما در این دوره اوقاتی وجود دارد که کودکان، هیجانات عمیق و دائمی را تجربه می‌کنند، این هیجانات شدید که بیشتر ناخوشایند و نامطلوب است، کودکان را دچار بی‌تعادلی و عدم تمرکز می‌سازد. ممکن است هیجان‌پذیری شدید در کودکان ناشی از شرایط جسمی، محیطی یا هر دوی آنها باشد. زمانی که کودکان دچار بیماری یا دچار خستگی می‌شوند، احتمال اینکه هیجانی، بدخلق و به طور کلی ناسازگار شوند، بیشتر است. قبل از اینکه دوره‌ی کودکی به پایان برسد، زمانی که اندام‌های جنسی شروع به فعالیت می‌کنند، هیجان‌پذیری شدید کودکان به اوج خود می‌رسد. عوامل محیطی خیز در بروز واکنش‌های عاطفی شدید، سهم عمده‌ای دارد. در ابتدای این دوره، رفتن به مدرسه اغلب عامل مهمی برای واکنش‌های عاطفی شدید کودکان-به ویژه کودکانی که تعادل عاطفی مناسب ندارند-محسوب می‌شود. همچنین برخورد خشونت‌بار اولیای مدرسه با کودکان، باعث بروز دشواری‌های عاطفی در آنها می‌شود. کودکان متعلق به گروه‌های پایین‌تر اجتماع نیز ممکن است در مدرسه به احساس حقارت گرفتار شوند. مدرسه در ابتدای این دوره به منزله‌ی موقعیت و شرایط جدیدی است که کودک باید خود را با آن سازگار کند.

کودکانی که نتواند خود را با شرایط تازه سازگار کنند، در دوره‌های دیگر نیز اغلب دچار مشکلات عاطفی و رفتاری خواهند بود. براساس بسیاری از مطالعات، کودکانی که در ابتدای ورود به مدرسه با مشکلات عاطفی و هیجانی زاد روبرو بودند، در سال‌های بعدی تحصیل نیز ناهنجاری‌های رفتاری بسیار داشتند.

برای ورود به مدرسه لازم است که کودک از نظر جسمی، عاطفی، هوشی و ذهنی به رشد کافی رسیده باشد. اغلب والدین تصور می‌کنند همین که کودکان آنها از نظر هوشی و ذهنی آمادگی نسبی داشته باشند، برای رفتن به مدرسه کاملاً آماده‌اند و در این امر بسیار تعجیل می‌کنند؛ در حالیکه علاوه بر آمادگی هوشی و ذهنی، کودک باید از لحاظ جسمانی و مهم‌تر از آن از نظر عاطفی نیز آمادگی کافی داشته باشد؛ زیرا فضای مدرسه از نظر عاطفی با محیط خانواده بسیار متفاوت است. کودکی که هنوز به جو عاطفی خانواده نیاز دارد، ولی از آن جدا شده، به مدرسه فرستاده می‌شود، ممکن است دچار ناسازگاری رفتاری شود و گاه اولیای مدراس نیز با ابراز خشونت‌های بی‌مورد، دشواری‌های عاطفی کودکان را بیشتر کنند.

غیر از مدرسه، هر تغییر قابل ملاحظه‌ی دیگر در زندگی کودک، او را دچار آشفتگی هیجانی و هیجان‌پذیری زیاد می‌کند. جدایی یا مرگ والدین، مهاجرت و تغییر محل سکونت یا تغییر محل مدرسه از جمله عوامل دیگری هستند که ممکن است در واکنش‌های عاطفی شدید کودک در این دوره تأثیر بگذارد.

پاسخ مثبت به سوالات زیر، آمادگی عاطفی کودک را در محیط مدرسه نشان می‌دهد:

- آیا کودک می‌تواند اوقات خود را با همسالان بگذراند و مدت زمان طولانی با آنها بازی کند؟
- آیا کودک، بزرگسالان جدید را دوست دارد و می‌تواند به سرعت با آنها سازگاری پیدا کند؟
- آیا کودک هر وظیفه‌ی ساده‌ای را که به عهده گرفته، بدون کمک می‌تواند انجام دهد؟
- آیا کودک به نیازهای توالی رفتن خود اشاره می‌کند و بدون کمک به توالی می‌رود؟
- آیا کودک لباس‌های خود (کلاه، کفش، کت و جز اینها) را می‌شناسد و آنها را بدون کمک می‌پوشد؟



دیدگاه گورخری

از گورخری پرسیدم: تو سفیدی، راه راه سیاه داری؛ یا اینکه سیاهم، راه راه سفید داری؟ گورخر به جای جواب دادن پرسید:

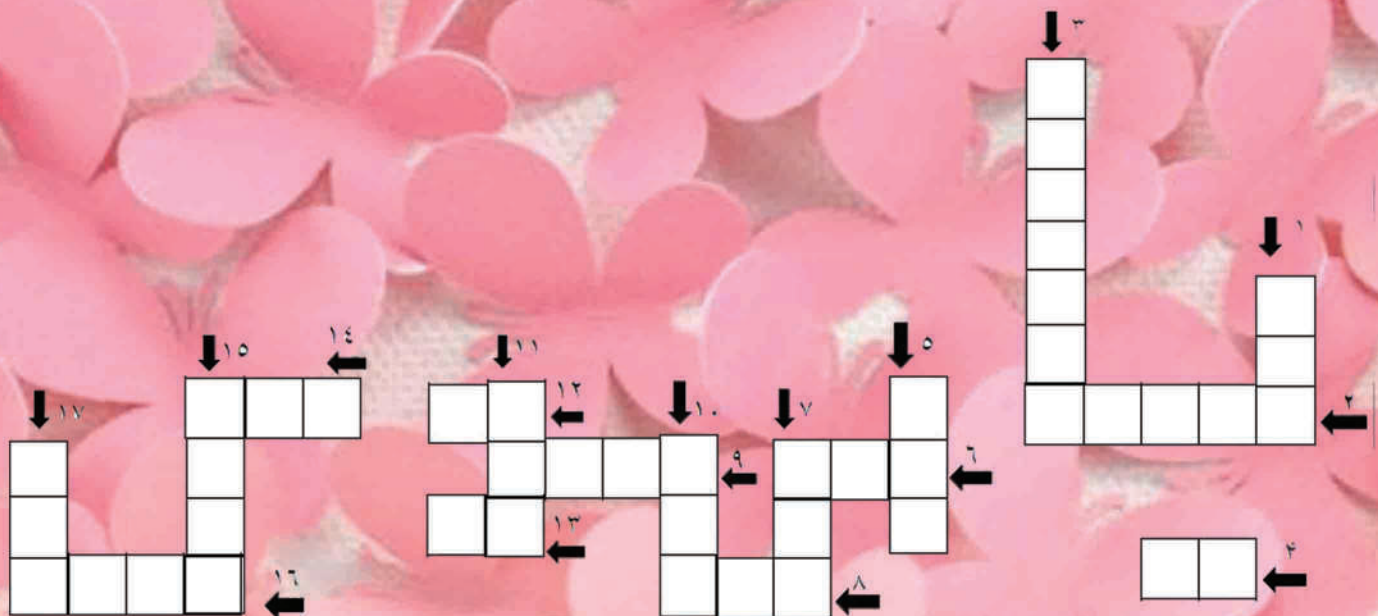
تو خوب فقط عادت های بد داری، یا بدی و چندتا عادت خوب داری؟ ساکت به بعضی وقت ها شلوغ می کنی، یا شیطونی و بعضی وقت ها ساکت می شی؟ ذاتا خوشحاله بعضی روزها ناراحتی، یا ذاتا افسرده ای و بعضی روزها خوشحاله؟ لباس هات تمیزن فقط پیراهنت کثیف، یا کتیفن و شلوارت تمیزه؟!

و من دیگه هیچ وقت از گورخرها درباره ی راه راه ها شون چیزی نپرسیدم!
"شل سیلور استاین"

دیدگاه گورخری در روانشناسی یعنی آدمها را مجموعه ای از ویژگیهای بد و خوب بدانیم.

هیچکس بد مطلق و یا خوب مطلق نیست.

باهم بودن را بیاموزیم... نه در برابر هم بودن.



۱۰- سقف دهان:

۱۱- از درز فرجها بر تو میوه شده در اسلام:

۱۲- رودخانه:

۱۳- مرصع طبع:

۱۴- بلندترین چمن خور دیگر زاکر من:

۱۵- گاهست:

۱۶- زیر دست:

۱۷- از کوتاها قریع سوره طار قر قاج:

کار را از سید علی سینا

۱- میوه بر ساقش:

۲- نخست وزیر شهید:

۳- شیر دماغ:

۴- انعام:

۵- اراده:

۶- یار سایر:

۷- ید:

۸- گروه:

۹- از اهل رسول اکرم (ص):

پاسخ خود را به آی دی ارتباطی ما در کانال انجمن بفرستید. @mntzrsadeghi

فراخوان

همکاری با هوما



نشریه علمی - تربیتی هوما از دانشجویان علاقه مند در زمینه های زیر دعوت به عمل می آورد

عکاسی و طراحی



پژوهش و گردآوری



مصاحبه و نویسندگی



تو را چگونه تعریف کنم؟ تو را چگونه توصیف کنم؟
اصلاً تو مگر در کلمات می گنجی؟
نه! به خدا که نه!

تویی که مرا «بابا آب داد» و «بابا نان داد» که سهل است، مرا زندگی
آموختی

تویی که آب شدی تا من چون گل شکوفا شوم. تویی که سوختی تا
من ساخته شوم.

کم است! هرچه از زیبایی هایت بگویم کم است! دلسوز من، فداکار
من، هرچه از عشق تعریف می کنند غلط است!

عشق را باید بگویند معلم و تمام...!

مهربان معلم! دستت را می بوسم و قدردان زحمات وصف ناشدنی
ات هستم. روزت مبارک

نویسنده: حدیثه نجفی

